

## اثرات کووید ۱۹ بر رقابت و رفتار سیاسی قدرت‌های بزرگ

محمد رضا قنبری آلونی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی

### چکیده

دولت‌ها با بهره‌گیری از وقایع و تحولات مختلف، همواره در صدد رقابت برای کسب قدرت بیشتر و توسعه طلبی می‌باشند، که این مهم میان قدرت‌های جهانی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشد. آنچه در پایان سال ۲۰۱۹ بیش از پیش به رقابت میان قدرت‌های جهانی دامن زده است، شیوع بیماری کووید ۱۹ موسوم به کرونا می‌باشد که رقابت پایدار بین قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار داده است. بر همین اساس مهمترین پرسش مطرح شده عبارت است از اینکه: همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ بر رقابت سیاسی قدرت‌های بزرگ چه تأثیراتی ایجابی و سلبی گذاشته است؟ فرضیه مطرح شده نشان می‌دهد: تلاش واقع‌گرایانه قدرت‌های بزرگ برای بقا در صحنه قدرت، رقابت شدید و تلاش برای حفظ قدرت در متن رویکردهای بین‌المللی همراه با احتمال زمینه‌سازی برای انتقال هسته قدرت از غرب به شرق، از مهمترین تأثیرات ویروس کووید ۱۹ بر رقابت سیاسی قدرت‌های بزرگ می‌باشد. چارچوب نظری منتخب برای تبیین بهتر موضوع و مسئله مطرح شده رئالیسم می‌باشد. زیرا رئالیست‌ها همواره بر این اصل معتقدند که؛ دولت‌ها همراه با عقلانیت منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: مهمترین اثرات کووید ۱۹ بر رقابت قدرت‌های بزرگ عبارت است از: ۱- توسعه و تداوم اتکا به دیپلماسی دیجیتالی در بین قدرت‌های بزرگ. ۲- افزایش فشار و مطالبه از قدرت‌های بزرگ برای افزایش حقوق شهروندی و حق سلامت. ۳- تأثیرپذیری اقتصاد جهانی از کرونا و تشدید رقابت اقتصادی قدرت‌های بزرگ. ۴- رقابت برای ایفای نقش بین‌المللی در مهار کرونا و واکسیناسیون. ۵- کاهش اعتبار قدرت‌های بزرگ برای سردرگمی‌ها و سیاستگذاری نامتقارن.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار سیاسی، قدرت‌های جهانی، ویروس کووید ۱۹، کرونا، ایالات متحده آمریکا، چین.

## ۱- مقدمه

بیماری کرونا یکی از مهمترین پدیده‌های فراگیر در قرن بیست و یکم می‌باشد. وقوع حوادث و پیامدهای این پدیده، سراسر جهان و عامه جوامع بشری را درگیر مبارزه با این بیماری و تلاش برای حفظ بقا و قدرت‌نمایی برای مقابله با آن کرده است. بعضی معتقدند شاید هسته قدرت را از غرب به شرق منتقل کند، جهانی شدن را متوقف کند. ناسیونالیسم را زنده کند و فرضیه‌های بسیار دیگر که در آینده صحت آنها به اثبات خواهد رسید. لذا رقابت شدیدی میان کشورهای همانند چین و ایالات متحده آمریکا در ابعاد؛ سیاسی، اقتصادی و علمی رقم زده است. «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا کرونا را به نام «ویروس ووهان» نام گذاری کرد؛ و مدعی شد که ویروس کرونا از آزمایشگاه‌های چین در شهر ووهان به بیرون شیوع یافته است. پمپئو همچنین از نحوه مدیریت چین انتقاد کرد و مدعی شد که حزب حاکم کمونیست این کشور از ارائه اطلاعات مورد نیاز برای مقابله با این بیماری ممانعت می‌کند. «دونالد ترامپ» نیز با چینی نامیدن ویروس کرونا و به منظور متهم کردن چین به منبع این ویروس، به اتهامات علیه چین دامن زده است. همچنین آمریکا از همه ابزارهای دیپلماتیک مانند آژانس‌ها و رسانه‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی و مجامع بین‌المللی برای تشدید این جنگ روانی علیه چین استفاده و پکن را متهم به تهدید امنیت جهانی کرد است. در مقابل چینی‌ها نیز این ویروس را حاصل فعالیت‌های محققان آمریکایی برای جلوگیری از گسترش قدرت جهانی چین قلمداد کردند. از سوی دیگر گسترش ویروس کرونا سبب افزایش نگرانی‌ها در آمریکا و دیگر کشورهای غربی بر سر نفوذ فزاینده پکن در نهادهای حاکمیتی کلیدی جهانی شد. فقدان شفافیت در پکن در آغاز شیوع این ویروس می‌تواند سبب بروز سؤالاتی در ارتباط با نقش جهانی چین بر اساس دستورالعمل‌های شی جین پینگ شود. چالش‌های بهداشتی قبلی همانند سارس، ابولا و جنون گاوی سازمان جهانی بهداشت را مجبور کرد تا با کشورهای مخالف کند در تلاش برای ایجاد توازن در نگرانی‌های بهداشتی با پیامدهای اقتصادی و سیاسی بودند. رشد نفوذ چین در نهادهای بین‌المللی سبب تقویت این نگرانی‌ها و ایجاد سؤالاتی در این باره شده است که آیا سازمان جهانی بهداشت در زمان وقوع می‌تواند به درستی نقش یک میانجی بی‌طرف را ایفا کند یا خیر. در مراحل ابتدایی گسترش بیماری کرونا، ناظران سازمان جهانی بهداشت را به سبب تأخیر در اعلام شرایط اضطراری بهداشتی مورد انتقاد قرار دادند، تصمیمی که برخی از دیپلمات‌ها آن را به فشارهای ناشی از پکن ربط می‌دهند. با این حال، شیوع ویروس کرونا همچنان ادامه دارد و واضح است که ایجاد شرایط اضطراری بهداشتی بیش از پیش سبب تیره شدن روابط بین آمریکا و چین گردیده است. این بحران همچنین سبب تأکید بر سوالات در ارتباط با جایگاه چین در جهانی شده است که بیش از پیش به یکدیگر وابسته و در هم تنیده شده است.

بنابراین ضرورت دارد که اندیشمندان و پژوهشگران ایرانی نیز با تدفیق و مطالعه درباب آثار و عواقب این بیماری به پیامدهای آن آگاه باشند. در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز انجام تحقیقات جامع و علمی از ضرورت بسزایی برخوردار می‌باشد. زیرا دولت مهم‌ترین تهدید کننده و مهم‌ترین تهدید شونده است. بنابراین ثبات در نظام و امنیت بین‌المللی، هنگامی میسر است که قدرت هژمون بین‌المللی وجود داشته باشد تا عناصر یا بلوکهای خاطی و سرکش را کنترل نماید. دلیل ضرورت چنین عاملی، این است که دولت‌ها ذاتاً در پی رقابت و توسعه طلبی هستند و همین علایق امپریالیستی، حفظ وضع موجود را با خطراتی مواجه می‌کند. بنابراین با مطالعه و آگاهی از شرایط موجود و آینده نگری می‌توان به حفظ ثبات و امنیت کشور در عرصه بین‌الملل یاری رسان باشیم.

## ۲- بیان مسئله

همزمان با آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی ویروس «کووید ۱۹»<sup>۱</sup> معروف به «کروناویروس»<sup>۲</sup> از شهر ووهان چین شروع و در اندک زمانی با سرعت در سراسر جهان گسترش یافت و کشورهای سراسر جهان را با محدودیت‌ها و چالش‌های اساسی درگیر ساخته است. به گونه‌ای که کشورهای مختلف برای گریز و مقابله با کرونا قرنطینه و محدودیت تردد و در خانه ماندن را به اجرا گذاشته و از آن به «جنگ جهانی سوم» نام می‌برند، افزون بر این ویروس کووید-۱۹ منجر به افزایش تلفات انسانی به گستردگی تقریباً تمامی کشورهای جهان انجامیده است. لذا بررسی ابعاد انسانی در تمامی زمینه‌های زندگی انسان‌ها مستلزم صرف زمان زیاد خواهد بود، اما هم اکنون ابعادی از بحران کرونا قابل اشاره می‌باشد همانند ابعاد داخلی و ملی و ابعاد خارجی و بین‌المللی، زیرا بعد بین‌المللی متاثر از ابعاد داخلی کشورها است، اما مهمترین وجه اشتراک تاثیر و پیامد بحران کرونا در سطح جهان در ابعاد سیاسی و همکاری‌های بین‌المللی و اقتصادی می‌باشد. در این میان، ویروس کرونا مهم‌ترین و بیشترین تأثیر منفی را بر آمریکا و اروپا داشته و روابط بین اعضای اتحادیه اروپا را نیز با «شکاف شمال- جنوب» و «شکاف شرق- غرب» دستخوش تحول و تغییر خواهد کرد. همچنین افول عصر جهانی شدن، تضعیف اتحادیه اروپا، تزلزل و بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی و جغرافیایی آمریکا در اثر تضعیف حلقه هم‌گرایی ایالات متحده، افزایش شکاف بین دوسوی پیمان آتلانتیک، تغییر محور قدرت از غرب به شرق، افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ، تقویت نقش دولت‌های ملی، بازگشت مقتدرانه ناسیونالیسم، ارتقای اهمیت دولت-شهرها و افزایش تعداد دولت‌های ورشکسته از دیگر پیامدهای تحول ساختار قدرت در عصر پساکرونا خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود در جهان پساکرونا الگوهای دوستی و دشمنی بین کشورها نیز تغییر کند. در واقع بحران بیماری کرونا موسوم به کووید ۱۹، یکی از مسائل تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد، که تأثیرات و پیامدهای بسیاری بر کشورهای مختلف داشته و تمام قدرت‌های کوچک و بزرگ را درگیر ساخته است. لذا در حالی که برخی از تحلیلگران بحران بیماری کرونا و تاثیراتی که در آمریکا داشته است را فرصتی برای چین و هژمونی آن در رقابت با آمریکا قلمداد می‌کنند؛ زیرا آمریکا از ابتدا این بحران را جدی نگرفت و متحمل هزینه‌های زیاد اقتصادی توأم با تلفات انسانی گسترده‌ای شد. اما عده‌ای معتقدند تغییراتی که بر اثر همه‌گیری ویروس کرونا در اقتصاد جهان رخ خواهد داد به زبان چین است و نیز اگر آمریکا از مزیت‌های خود همانند توانمندی بالا در تکنولوژی و فن آوری، استفاده کند، می‌تواند در رقابت یادشده به حفظ هژمونی خویش ادامه دهد. در حالیکه در ژانویه ۲۰۲۰، چین و آمریکا برای کاهش جنگ تجاری به توافق رسیدند، اما کووید ۱۹ رقابت راهبردی چین و آمریکا را تجدید کرد. بر همین اساس کشورهای چین و آمریکا به مثابه ابرقدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهان در پی شیوع کرونا مباحث مختلفی نسبت به یکدیگر روا داشته و یکدیگر را متهم به پنهان کاری و یا ناتوانی در مقابله با این بیماری دانسته و در برخی موارد نیز تهدید به قطع روابط داشته‌اند. در واقع از همان ابتدای سال ۲۰۲۰ در پی شیوع و گسترش ویروس کرونا از ووهان چین و انتشار آن در همه کشورهای جهان، رقابت میان قدرتهای بزرگ جهانی به ویژه چین و آمریکا سویه جدیدی به خود گرفته و اسطوره شکست ناپذیری آمریکا را با تردیدهایی مواجه کرده است. لذا واقعیت‌ها نشان می‌دهد که آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی در جلوگیری از اثرگذاری و گسترش ویروس کووید ۱۹، ناموفق بوده و با تلفات بالایی که داده است به قدرتی نفوذپذیر و ضعیف در تقابل با پاندمی ویروس کرونا تبدیل شد. اما باید توجه داشت که در سال‌های آینده وجهه بین‌المللی آسیب دیده چین در جهان پس از کووید-۱۹ به راحتی قابل ترمیم نخواهد بود. افزون بر این کووید-۱۹ اعتماد به نفس آمریکا و جهان غرب، به ویژه کشورهای صنعتی گروه ۷، را متزلزل خواهد ساخت. ویروس کرونا مهم-

<sup>۱</sup>. COVID-19

<sup>۲</sup>. Coronavirus

ترین و بیشترین تاثیر منفی را بر آمریکا و اروپا داشته و روابط بین اعضای اتحادیه اروپا را نیز با «شکاف شمال-جنوب» و «شکاف شرق-غرب» دستخوش تحول و تغییر خواهد کرد. شیوع ویروس کرونا باعث شده تا بسیاری از ساختارهای کنونی در عرصه بین‌الملل عملاً ناکارآمدی خود را نشان دهند. هرچند در ظاهر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با این ویروس همگرایی بیشتری پیدا کرده‌اند، اما رگه‌هایی از واگرایی نیز دیده می‌شود. مردم ایتالیا که در اوج بحران کرونا قرار دارند در واکنش به عدم حمایت اروپا، در یک کمپین پرچم اتحادیه اروپا را به آتش کشیده و اعلام کردند خودمان از خودمان حفاظت می‌کنیم و از خروج اتحادیه اروپا سخن گفته‌اند. لذا در شرایط کنونی، دولت‌ها در سراسر جهان قید اقتصاد جهانی را زده و رو به ناسیونالیسم اقتصادی و استقلال اقتصادی آورده‌اند و مشغول ذخیره سازی مواد غذایی و افزایش ذخایر راهبردی خود شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد در نظم جهانی در آینده پساکرونا شاهد رشد ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، زوال گلوبالیسم<sup>۳</sup> و هنجارهای مربوط به فرهنگ جهانی شدن خواهیم بود.

در خصوص مقابله با ویروس کووید-۱۹، هند بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده دارو بشمار می‌رود. با این حال، هند در مهار کووید-۱۹ با چالش جدی مواجه است. استفاده هند از فرصت اقتصادی موجود در فضای پساکرونا، به اصلاحات اقتصادی این کشور بستگی خواهد داشت. در هر حال، پکن با هر نوع اقدام موازی با زنجیره عرضه چین، به طور تهاجمی مقابله خواهد کرد. برای همین نیز در جهان پساکرونا بلوک‌بندی‌های جدید قدرت و نگرش جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها را شاهد خواهیم بود و کانون‌های قدرت در جهان، تغییرات اساسی خواهد کرد. در مجموع، شیوع ویروس کرونا در جهان و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر دولت‌ها باعث شده تا بسیاری از تغییر چینش قدرت در عرصه بین‌الملل سخن بگویند. در طول تاریخ همواره نظم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل با بحران‌ها جا بجا شده‌اند. بدون شک شیوع کرونا یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های بشری در چند سده گذشته است. البته باید توجه داشت که نشانه‌های تغییر نظم حاکم بر دنیا از سال‌ها قبل پدیدار شده و افول آمریکا به عنوان پدید آورنده نظم کنونی خود بزرگ‌ترین دلیل بر احتمال تغییر نظم جهانی است و در حال حاضر شیوع ویروس کرونا و آسیب دیدن اقتصاد کشورهای غربی، در کنار رشد گرایش‌های ملی و ناسیونالیستی و همچنین کم‌رنگ شدن آموزه‌ها و هنجارهای لیبرالیستی باعث تسریع در این روند خواهد شد. لذا آنچه در این پژوهش به عنوان مسئله اصلی مطرح شده است عبارت است از اینکه ویروس کووید ۱۹ چه تأثیراتی بر رقابت و رفتار سیاسی قدرت‌های بزرگ گذاشته است؟

### ۳- پرسش اصلی تحقیق

همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ بر رقابت سیاسی قدرت‌های بزرگ چه تأثیراتی ایجابی و سلبی گذاشته است؟

### ۴- پرسش‌های فرعی

مهمترین تأثیرات کرونا بر سیاست قدرت‌های جهانی چیست؟

مهمترین تأثیرات کرونا بر اقتصاد قدرت‌های جهانی چیست؟

مهمترین تأثیرات کرونا بر رقابت علمی میان قدرت‌های جهانی چیست؟

۱- Globalization «جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات، و سرمایه در دنیا میسر می‌شود. در علم معانی بیان، جهانی شدن فرایند کوتاه کردن فاصله‌ها، تغییر در تجارب زمانی و ارائه ماهیت جهانی است. (آنی نات، ۲۰۰۳). ساده‌ترین تعریف فرآیند جهانی شدن، ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است.

## ۵- فرضیه تحقیق

### ۵-۱ فرضیه اصلی

تلاش برای بقا در صحنه قدرت، رقابت شدید و قدرت نمایی علمی، باز تعریف قدرت و تلاش برای حفظ قدرت در متن رویکردها و تمایلات متعارض و کوشش برای بازنگری در وظایف و کنترل بر نهادهای بین المللی همراه با احتمال زمینه سازی برای انتقال هسته قدرت از غرب به شرق، از مهمترین تأثیرات ویروس کووید ۱۹ بر رقابت سیاسی قدرت های بزرگ می باشد.

### ۵-۲ فرضیات فرعی

بنظر می رسد، سیاست قدرت های اقتدارگرا در مقابله با کرونا موفق نشان داده است. کرونا موجب شده است، اقتصاد بسیاری از کشورها و قدرت های جهانی با رکود و افزایش بیکاری مواجه شود. قدرت های جهانی در رقابت علمی برای تولید واکسن و وسایل مورد نیاز برای مقابله با کرونا، تلاش گسترده ای داشته اند.

## ۶- اهداف تحقیق

- ۶-۱ هدف علمی: تبیین تأثیرات سلبی و ایجابی کرونا بر رقابت و رفتار قدرت های بزرگ.
- ۶-۲ هدف خاص: تبیین جایگاه و نقش کرونا در در رقابت اقتصادی میان قدرت های جهانی.
- ۶-۳ هدف کاربردی: تبیین آموزه های علمی و تحلیل پدیده های جهانی در رقابت میان قدرت های جهانی.

## ۷- پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه کمتر از دو سال از شیوع ویروس کووید ۱۹ و اثرات آن بر جامعه جهانی می گذرد، کم و بیش کتب و مقالات مختلفی در ارتباط با آن و بررسی ابعاد و زوایای این بحران و تأثیرات مختلف آن به رشته تحریر در آمده است. اما در بررسی های صورت گرفته تاکنون منبعی که بصورت علمی و مفصل به تبیین اثرات ویروس کووید ۱۹ بر رقابت و رفتار سیاسی قدرت های بزرگ پردازد، مشاهده نمی شود. با این برخی از مهمترین پژوهش هایی که می تواند در ارتباط با بخش هایی از موضوع این پایان نامه قرار گیرد به شرح ذیل عبارتند از:

رضانی قوام آبادی (۱۳۹۹)، «بیماری همه گیر کرونا و صلح و امنیت بین المللی»، تمرکز اصلی این مقاله بر موضوع بیماری همه گیر جهانی کرونا و صلح و امنیت بین المللی است و در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا این بیماری تهدیدی بر صلح و امنیت بین المللی محسوب می شود یا نه؟ نگارنده در مقاله خویش معتقد است: رویه و عملکرد شورای امنیت بین الملل حکایت از توسعه صلاحیت ها و تسری آن از تهدیدهای نظامی به غیرنظامی دارد. شورای امنیت سازمان ملل پیش از این، در مورد بیماری های ایدز و ابولا نیز تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی کرد. هرچند شورای امنیت در تقابل با کرونا ابتدا انفعال پیشه کرد و در نهایت بعد از گذشت بیش از سه ماه از زمان اعلام کووید ۱۹ به عنوان بیماری همه گیر جهانی توسط سازمان جهانی سلامت، با تصویب قطعنامه ۲۵۳۲ مورخ اول ژوئیه ۲۰۲۰ همه گیری کرونا را به عنوان خطر تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی معرفی کرد.

در این مقاله کمترین اشاره ای به رقابت سیاسی قدرت های بزرگ متأثر از کرونا نشده است. که نشان از افتراق کامل آن با پژوهش پیش رو دارد.

موسوی شفقانی، سهیل گودرزی، سمیه خداخواه آذر (۱۳۹۹)؛ در مقاله ای با عنوان: «کرونا به مثابه رخداد در روابط بین الملل: نقص در کارویژه دولت-ملت در مواجهه با رخداد‌های نوظهور» در این مقاله مهمترین مسئله به این مهم اختصاص دارد که ریشه درماندگی دولت-ملت‌ها در قبال چالش‌های نوظهور چیست؟ و اینکه: پیامد مواجهه دولت-ملت‌ها با رخداد‌های ناپهنگام چون کرونا، به شیوه سنتی مبتنی بر حفظ بقا و امنیت دولت چه خواهد بود؟ نگارندگان در بیان مدعای خویش معتقدند که ماهیت و نوع چالش‌های نوظهور نظیر کرونا بگونه‌ای است که از یک سو، دولت-ملت و نظم بین‌المللی مبتنی بر آن در مواجهه با این نوع از رخدادها گویا دچار نقص مادرزادی است؛ از سوی دیگر، فرایند یادگیری و سازگاری دولت-ملت سال‌هاست که متوقف شده است. در این نوشتار برای تحلیل اطلاعات بر روش تبیینی تاکید می‌شود. در این مقاله نیز عدم توجه به رقابت سیاسی قدرت‌های بزرگ مهمترین وجه افتراق با پژوهش پیش رو تشکیل می‌دهد.

منتی (۱۳۹۹)، بررسی اثرات ویروس کرونا کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی، در مقاله خویش می‌نویسد: در نوشتار حاضر تلاش شده است تا ضمن ترسیم نمایی کلی از اثرات اپیدمی کرونا ویروس-کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی، به ویژه اقتصادهای بزرگ دنیا و کشورهایی که درگیری بیشتری با این بحران دارند، به طور کلی سناریوهای احتمالی توسعه و نحوه اثرگذاری این اپیدمی بر جامعه و اقتصاد جهانی بررسی شود. در مرحله بعد، با بررسی آمار و اطلاعات منتشر شده از منابع معتبر جهانی درباره وضعیت کنونی اپیدمی کرونا ویروس-کووید ۱۹، اثرات همه‌گیری این ویروس بر بخشهای مهم اقتصاد جهانی، نظیر بازارهای مالی، بازار نیروی کار، بازار انرژی و مسافرت و صنعت گردشگری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نهایت و در بخش نتیجه‌گیری، به منظور شناخت راهکارهای مختلف اقتصادی مدیریت اثرات این بحران، به صورت اجمالی به بررسی سیاستهای اقتصادی کشورهای مختلف دنیا در مواجهه با اپیدمی کرونا ویروس-کووید ۱۹ پرداخت ایم.

رومی و کاظمی (۱۳۹۹)، در مقاله ای با عنوان: «کرونا ویروس؛ متغیری نوین در تحلیل کلان تحولات سیاسی و بین‌المللی» در پاسخ به این پرسش که شیوع ویروس کرونا بر سیاست داخلی و مناسبات بین‌المللی چه تاثیری خواهد گذاشت؟ می‌نویسند: در دوره پساکرونا، جهان شاهد التهاب ملی-گرایی و تقویت نقش دولت در اداره جامعه و تبدیل شدن حوزه سلامت و بهداشت عمومی به یک موضوع امنیت ملی خواهد بود. در عرصه خارجی، دولت‌ها برای حفظ جان شهروندان شان با محدود کردن گردش آزاد افراد و کالاها و سخت‌تر کردن سیاست‌های مهاجرتی و محافظت از مرزها از روند جهانی شدن عقب‌نشینی خواهند کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از تغییر ماهیت تهدیدات در قرن ۲۱ است. نابرابری در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فقدان مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند امنیت داخلی دولت‌ها را با چالش روبرو سازد.

علی صباغیان (۱۳۹۹) تأثیر بحران کرونا بر همبستگی اتحادیه اروپا: این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش است که بحران کرونا ویروس سال ۲۰۲۰ چه تأثیری بر همبستگی اروپا داشته و ضعف یا فقدان این همبستگی چگونه فرایند همگرایی اروپا را تحت تأثیر قرار داده است؟ فرضیه این است که ضعف همبستگی اروپایی در مقابله با بحران کرونا موجب تشدید رویکردهای ملی‌گرایانه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شده است و تشدید شکاف‌ها در اروپا و نیز بی‌توجهی به دستاوردهای فراملی، این اتحادیه در پی داشته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد مواردی همچون ناامید شدن شهروندان اروپایی از وجود همبستگی، تشدید گرایش به سمت سیاست‌های ناسیونالیستی، تشدید شکاف‌های شمال و جنوب و مرکز پیرامون در اروپا و خدشه‌دار کردن ایده اروپای بدون مرز از مهمترین تأثیرات بحران کرونا بر همبستگی اتحادیه اروپا است.

شفیعی سیف آبادی، باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر بحران کووید ۱۹ بر گفتمان جهانی شدن و آینده پیش روی آن، پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه «در شرایط بحرانی کنونی، کووید ۱۹ چگونه بر گفتمان جهانی شدن تاثیر گذاشته و

چه سناریوهایی پیش‌روی گفتمان جهانی شدن خواهند بود؟» نتایج حاصل از تحقیق که با روش آینده‌پژوهی (سناریوپردازی) حاصل شده است، نشان می‌دهد که گفتمان جهانی شدن با دال مرکزی لیبرالیسم و با دال‌های شناوری چون بازار آزاد و تجارت جهانی پیش از بحران کرونا دچار آسیب‌های اساسی شده بود؛ در این میان، همه‌گیری کرونا به این امر شدت بخشید و در ادامه تشدید سیاست‌های ضربتی دولت‌ها از قبیل انسداد مرزها، کنترل و محدودسازی اطلاعات و اخبار، عدم رعایت عدالت اجتماعی و حقوق بشر، شیوع ناسیونالیسم، اقتدارگرایی و سانسور شدید به تدریج مابقی دال‌های شناور را نیز با چالشی عمیق روبرو ساخت.

دهشیری و قائدی، حبیبی (۱۳۹۹)، تشدید واگرایی آمریکا و چین در عصر پسا کرونا و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، در این مقاله مسئله طرح شده این است که آیا در جهان پسا کرونا، شاهد واگرایی هر چه بیشتر روابط چین و آمریکا خواهیم بود؟ دلایل اصلی این واگرایی کدامند؟ و نهایتاً این واگرایی، چه بایسته‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت؟ نگارندگان ضمن بررسی دیدگاه‌های موجود، با کاربست نظریه آشوب این فرضیه را مورد راستی‌آزمایی قرار می‌دهند که واگرایی روابط طرفین پدیده‌ای پیچیده و چندعلتی است که شیوع جهانی ویروس کرونا به‌مثابه اثر پروانه‌ای، موجب آشکار شدن و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آنها شده است. این واگرایی دلالت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در تقابل با قدرت‌های جهانی و تلاش برای کاهش وابستگی خویش درست عمل کرده است.

صالح آبادی، جان پرور، بهرامی جاف (۱۳۹۹)، تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع کرونا، در این مقاله تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله تحلیل تأثیرات متقابل است. در این تحقیق برای ۸ عامل کلیدی مجموعاً ۴۰ حالت (عدم قطعیت) در نظر گرفته شده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از بین سناریوهای تدوین شده، ۱۱ سناریوی قوی و محتمل، پیش‌روی آینده وضعیت ژئوپلیتیکی ناشی از شیوع ویروس کرونا وجود دارد. از ۱۱ سناریوی قوی و محتمل، ۴ سناریو وضعیت نامطلوب، ۲ سناریو وضعیت مطلوب، ۵ سناریو نیز دارای وضعیت ایستا و بینابینی است. نتایج نشان می‌دهد که احتمال وقوع حالت‌های منفی ساختار ژئوپلیتیکی جهان در مواجهه با ویروس کرونا دو برابر احتمال رخ دادن حالت‌های مطلوب است. بنابراین با توجه به هدف اصلی دانش ژئوپلیتیک که طراحی بهترین استراتژی در مناسبات بین بازیگران است، باید مناسب‌ترین استراتژی‌ها در ارتباط با پیامدهای منفی این ویروس در نظر گرفته شود.

واعظ (۱۳۹۹)، در مقاله خویش با عنوان: «تأثیرات بین‌المللی بحران اپیدمی و پاندومی ویروس کرونا»، می‌نویسد: این نوشتار فرصت تامل واکاوی دقیق و تفکیک اثرات برپایه معیار اثرات معرفتی و کارکردی و یا اثرات ایجابی و سلبی و یا اثرات کوتاه مدت و میان مدت و یا اثرات بر دوسطح دیگر از سطوح سه‌گانه (ملی و فراملی) را در این بازه زمانی که کرونا بخش‌های از جهان را غافلگیر نموده، ندارد و بیشتر به طرح واژه‌ای هرچند ساده و البته ناتمام از اثرات این ویروس بردنیای کرونایی شده، مبادرت ورزیده است.

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با ویروس کووید ۱۹ و آثار و پیامدهای آن به رشته تحریر در آمده است. که بیشتر ناظر بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سلامت می‌باشد. البته آثار این بیماری بر سیاست بین‌الملل نیز کم‌وبیش مورد توجه قرار گرفته است. اما تحقیقی مستقل که ابعاد این ویروس بر رفتار سیاسی قدرت‌های بزرگ را مورد بررسی قرار دهد، تا لحظه نگارش این پژوهش مشاهده نمی‌شود. در واقع هیچکدام از پژوهش‌هایی که تا کنون در ارتباط با موضع پیش رو به رشته تحریر در آمده

است، در پرسش و اهداف منطبق با پژوهش پیش رو نمی باشد. و این پژوهش تلاش نموده است در طرح پرسش و اهداف مطرح شده ابعاد نو و متفاوتی را مطرح سازد.

#### ۸- روش تحقیق

این تحقیق که یک تحقیق کیفی و کاربردی است برای تدوین معیارهای ارزیابی از روش کیفی استفاده خواهد شد. برای انجام این تحقیق، ابتدا رویکردی کلی به ماهیت کرونا و ویروس داشته و سپس با رجوع به منابع و مطالب علمی در باب تأثیرات کرونا در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه رقابت میان قدرت های جهانی که بیشترین تأکید بر کشورهای ایالات متحده آمریکا و چین می باشد، داده های تحقیق فراهم و با روش تحلیل توصیفی به تحلیل آن پرداخته ایم.

#### ۹- جامعه آماری مورد تحقیق

جامعه آماری عبارت است از گروهی از افراد، اشیاء یا حوادث که حداقل دارای یک صفت یا ویژگی مشترک هستند (دلاور، ۱۳۸۰: ۴). جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از آن نمونه ای نما یا معرف بدست می آید (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱۵۸). جامعه آماری در این تحقیق مشتمل بر قدرت های بزرگ جهانی همانند، آمریکا، چین، روسیه و کشورهای اروپایی می باشد.

#### ۱۰- روش گردآوری اطلاعات

در روش کتابخانه ای با بررسی اسناد موجود محتوای مورد نیاز برای تحلیل فیش برداری می شود. محقق در پژوهش و واکاوی حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای اقدام به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از منابع دسته اول و معتبر خواهد نمود. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای یا بررسی اسنادی است بنابراین با مراجعه به کتب، اسناد، مقالات، اینترنت و آمارهای مرتبط، مطالب مورد نیاز گردآوری می گردد، و با ابزار فیش برداری و یادداشت مطالب مرتبط با موضوع پژوهش، برجسته ترین و مهم ترین مفاهیم گزینش می شوند و پس از بررسی های لازم الویت بندی، انتخاب و استفاده می گردد.

#### ۱۱- ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش فیش برداری از منابع، کتب، مقالات و اسناد معتبر می باشد. به این نحو که محقق ضمن استفاده از ساختار بندی ابتدایی مراحل پژوهش، جهت هر یک از فصل ها، بخش ها و زیر بخش های فصول مختلف پژوهش، اقدام به تهیه فیش تحقیقاتی خواهد نمود و سپس با استفاده از اطلاعات درج شده در فیش های تحقیقاتی اقدام به جمع آوری اطلاعات از منابع مورد نظر خواهد نمود. و سپس اطلاعات درج شده در فیش های تحقیقاتی را دسته بندی و جهت استفاده در مرحله بعد تنظیم خواهد نمود.

#### ۱۲- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به کیفیت موضوع و مسئله مطرح شده در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود میان پدیده های مختلف می پردازد. در



تحلیل توصیفی چگونگی صفات هر یک از متغیرهای موجود، تشریح می‌شود. در این سطح، نظام معانی متن یا واقعه جدا از زمینه‌های اجتماعی آن تحلیل می‌گردد. (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۴۱)

همچنین در این روش محقق اسناد و مدارکی را که به صورت مکتوب جمع‌آوری کرده است را بر اساس شیوه ذهنی مورد تجزیه و استفاده می‌شود.

در واقع باتوجه به اینکه تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید.

تحقیق توصیفی، جامعه، شرایط و پدیده‌ها را به طور صحیح و سیستماتیک توصیف می‌کند. این نوع تحقیق به سؤالاتی که شامل چه چیزی، چه زمانی، کجا، و چگونه هستند، پاسخ می‌دهد ولی برای پاسخ به سؤالاتی که شامل چرا می‌گردند، کاربردی ندارد. برای پاسخ به این سوال از روش تحقیق آزمایشی استفاده می‌شود.

تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه بنیادی؛ در بُعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود. تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در قلمرو کار مدیریت‌ها قرار دارد و کار مدیران جامعه، اعم از مدیران عالی سیاسی یا مدیران رده‌های پایین، چه در بخش دولتی و عمومی و چه در بخش خصوصی و شرکت‌ها، تصمیم‌گیری است.

برای برنامه‌ریزی نیز تحقیقات توصیفی باید انجام شود. برنامه‌ریزی برای امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اداری، امنیتی یا فضایی - جغرافیایی پدیده‌ای است که متضمن پیش‌بینی و برآورد است و با درجه‌ای از احتمال از نظر امکان وقوع همراه است. برای پیش‌بینی و برآورد وضع آتی و آینده امری که موضوع برنامه‌ریزی است دانستن وضع گذشته و حال آن امر یا موضوع و نیز آگاهی بر رفتار متغیرها و پارامترها و تعیین ضریب تغییرات آنها و شاخص‌سازی برای برآورد و پیش‌بینی آنها ضرورت دارد. دستیابی به این شاخص‌ها و تبیین وضع موجود و استوارسازی آینده بر پایه وضع موجود مستلزم تحقیقات توصیفی است تا بتوان آن را برای برنامه‌ریزی تصویرسازی کرد.

در واقع با توجه به اینکه در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است، بر همین اساس در این تحقیق ابتدا به دنبال ماهیت ویروس کرونا و تأثیرات آن در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشیم. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف تأثیرات کرونا بر سیاست بین‌الملل و وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در ادامه ارتباط بین متغیرها (ویروس کرونا و رقابت بین قدرت‌های جهانی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دانش) را بررسی می‌نماید.

### ۱۳- نتیجه‌گیری

مهمترین پرسش مطرح شده در این پژوهش عبارت بود از اینکه: همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ بر رقابت سیاسی قدرت‌های بزرگ چه تأثیراتی ایجابی و سلبی گذاشته است؟ مدعای مطرح شده نیز نشان می‌داد که ویروس کووید ۱۹ (کرونا) با اثرگذاری بر رقابت و رفتار سیاسی قدرت‌های بزرگ، موجبات نظم نوین جهانی و همگرایی و واگرایی‌های جدیدی را به دنبال داشته است. شیوع ویروس کرونا که برای نخستین بار ۲۴ آذر ۱۳۹۸ در شهر «ووهران» واقع در مرکز چین گزارش شد و بتدریج به سایر کشورهای دنیا سرایت کرد، اکنون بسیاری از کشورها را با بحران سلامتی شهروندانشان و مشکلات فراوان به

خصوص در زمینه اقتصادی روبه‌رو کرده است. به علت ناشناخته بودن این ویروس و نیز راه‌های موثر مقابله با آن، نحوه مواجهه کشورها با آن در بیشتر کشورها تابع شرایط خاصی بود؛ برخی کشورها حتی غربی‌ها ابتدا این ویروس را دست‌کم گرفتند و بعد از افزایش شمار تلفات و گسترش میزان همه‌گیری آن، اعمال محدودیت‌ها از جمله قرنطینه‌های مقطعی و محلی را در دستور کار قرار دادند. بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، ایتالیا، انگلیس، اسپانیا و دیگر کشورهای غربی دچار بحران‌های جدی شدند و میزان مرگ و میر ناشی از کرونا در این کشورها و نیز ابتلا نشان‌دهنده وضعیت زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی آنها قلمداد شد. بعضی از کشورهای آسیایی از جمله چین و کره جنوبی در مواجهه با این ویروس موفق‌تر از سایر کشورها معرفی شدند و اقداماتشان از جلوگیری از همه‌گیری و شناخت سریع افراد مبتلا گرفته تا درمان الگوی برخی دیگر کشورها قرار گرفت. در واقع کرونا در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی تأثیرات گسترده‌ای میان قدرت‌های جهانی ایجاد کرده است. مطابق آموزه‌های نئورئالیسم تعامل دولتها و بازیگران در نظام بین‌المللی در محیطی هرج و مرج‌زا صورت می‌گیرد ولی با شرایط موجود نیاز است تا با شکل‌گیری ساختارهای جدید و ایجاد نهادها و روندها، این هرج و مرج‌ها دچار تغییر و قانونمند شود. اکنون، وقت آن رسیده که در اصول امنیت بین‌المللی بازنگری و تجدید نظر شود. در مواجهه با این بیماری همه‌گیر، بشریت برای اولین مرتبه دست‌کم در تاریخ معاصر با یک تهدید مشترک مواجه شده که از بین بردن آن تنها از طریق اقدام جمعی ممکن است. بیشتر مباحثات اکنون حول محور هزینه سنگین اقتصادی و اجتماعی غلبه بر ویروس کرونا می‌چرخد. اختلال در زندگی عادی به شدت گسترده و تنها با درگیری‌های بزرگ جهانی قابل قیاس است.

ویروس به ما می‌آموزد که سلسله مراتب تهدیدهای امنیتی جهانی به سرعت در حال تغییر است و ما با دشمنان جدیدی مواجه خواهیم شد و این امر مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در اولویت‌های امنیتی ماست. نئورئالیسم می‌گوید که هدف اصلی دولتها این است که جایگاه و موقعیت خودشان در نظام بین‌الملل را حفظ کنند و بقاء خودشان را تضمین نماید. واقعیت آن است که «کرونا» به بازیگران سیاست بین‌الملل هشدار داد امنیت جهانی در گرو عقلانیت اجتماعی و انسانی است. در حالی‌که چین، ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان مهمترین قدرت‌های جهانی می‌باشند همواره در رقابت و تلاش برای هژمونی قرار دارند. لذا بحران کرونا شرایطی فراهم کرد، که رقابت میان این قدرت‌ها را بیش از پیش جدی ساخت. در واقع کرونا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی، حق بر سلامت و تغییر نظم جهانی، موجب رقابت و تأثیرات گسترده‌ای را رقم زد که در ادامه بصورت نتیجه تحقیق ارائه می‌شوند:

مهم‌ترین پیامدهای سیاسی کرونا بر رفتار و رقابت قدرت‌های سیاسی عبارت بوده‌اند از: در بعد سیاسی الگوی حکمرانی و سرعت‌العمل دولت‌ها در تقابل با بحران کرونا، مهمترین عنصر رقابت را رقم زده است. هم‌سویی روسیه و چین خطرات قابل توجهی برای ارزش‌های آمریکایی دارد. تقویت دولت‌ها و رهبران غیرلیبرال در حوزه‌های پیرامونی‌شان مانند حمایت روسیه از بلاروس و یا چین از کره شمالی در کنار حمایت‌ها از یکدیگر در برابر ادعاهای حقوق بشری غرب در مجامع جهانی، از نمونه‌های این امر است. دولت بایدن که اولویت بیشتری به مسائل حقوق بشری و ارزش‌های دموکراتیک می‌دهد، با این بحران روبروست که روایتی از الگوی حکمرانی مقتدر و تمرکزگرا از سوی این دو دولت به‌خصوص درباره غلبه بر کرونا منتشر شود که ارزش‌مندی الگوی لیبرال دموکراسی را با چالش روبرو سازد. این بیماری همچنین موجب رشد دیپلماسی دیجیتال و برقراری ارتباطات آنلاین مبانی کشورها را بیش از پیش رقم زد. دیجیتال شدن دیپلماسی در دوران کنونی امری جدانشدنی از ارتباطات جامعه جهانی است و با پیشرفت و توسعه دیپلماسی دیجیتال، دولت‌ها بخشی از نگرانی‌ها در مورد محدودیت‌های ایجاد شده در دوره همه‌گیری کرونا را پشت سر خواهند گذاشت.

همانطور که اشاره شده کرونا یکی از نقاط عطف قرن بیست و یکم است که بر اساس پیش بینی‌های اندیشمندان سیاسی تحول شگرفی در روابط بین‌الملل پدید خواهد آورد. بعضی معتقدند شاید هسته قدرت را از غرب به شرق منتقل کند. جهانی شدن را متوقف کند. ناسیونالیسم را زنده کند و فرضیه‌های بسیار دیگر که در آینده صحت آنها به اثبات خواهد رسید. عده ای حتی پا را از این فراتر گذشته و معتقدند وضعیت کنونی باعث تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در روابط بین‌الملل میشود به گونه ای که الگوهای تعامل بین بازیگران بین‌المللی دچار گردش و دگرگونی خواهد شد.

در قرن بیست و یکم و درحالی که کشورهای جهان آماده هرگونه رویاروی نظامی با یکدیگر بودند؛ ثابت شد حتی توانایی مقابله با یک ویروس را ندارند. نوع برخورد کشورها با این بیماری‌ها میزان توانایی و عیار آنها را نشان می‌داد؛ اما در رابطه با کنترل کرونا تفاوت چندانی میان کشورها دیده نمی‌شود و چه بسا کشورهای بزرگ و قدرتمند از سایر کشورها در این زمینه ناتوان‌تر عمل کرده‌اند.

### اهم پیامدهای اقتصادی کرونا بر رفتار و رقابت قدرت‌های جهان عبارت‌اند از:

در عرصه اقتصادی در حالیکه بسیاری از کشورهای جهان و قدرتهای جهانی دچار رشد منفی و آسیب شده‌اند، چین موفق به رشد اقتصادی شده است. تحلیل‌ها و برآوردهای سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد چین علاوه بر اینکه گوی سبقت را در زمینه جذب سرمایه خارجی، رشد تجارت و نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۰ از سایر کشورها ربود، در ۲۰۲۱ نیز پیشتاز رشد اقتصادی قرار داشته است.

وزنه چین در سیاست اقتصادی و روابط بین‌الملل غیرقابل انکار است. اگر این روند ادامه یابد، ما باید انتظار داشته باشیم که چین از این فرصت استفاده کند تا فاصله‌ها خود را در حوزه قدرت با ایالات متحده کم نماید، به عنوان مثال، با تلاش برای خرید شرکت‌های آمریکایی یا مقابله با نفوذ ایالات متحده در موسسات بین‌المللی. با همین دلایل، نئورئالیسم پیش بینی می‌کند که ایالات متحده آمریکا تلاش خواهد کرد فعالیت‌های ضدمتعادل خود مانند اتخاذ اقدامات جدید حمایت‌گرایی را افزایش دهد. در نتیجه، ما به احتمال زیاد فاز افزایش تنش خواهیم شد که احتمالاً بر همکاری جهانی و یا مبادله اقتصادی بین‌المللی تأثیر منفی خواهد گذاشت. در این میان عده‌ای نیز معتقدند چین و روسیه از این وضعیت خلاء رهبری در واشنگتن و اشتباهات راهبردی آن بهره‌برداری بیشتری خواهند کرد. اگر این فرضیه صحیح باشد که در آینده از یکسو غرب یعنی اروپا و آمریکا، ضعیف می‌شود و از سوی دیگر آسیا و چین قوی‌تر از گذشته در صحنه خواهند بود؛ و در نتیجه، بخش اعظمی از قدرت و برتری اقتصادی از غرب به شرق منتقل می‌شود و با سؤالات و چالشهای جدیدتری مواجه خواهیم شد. آیا آسیا و چین قادرند انسجامی همچون غرب در نیمه دوم قرن بیستم داشته باشند؟ در حوزه امنیت بین‌الملل چه اتفاقاتی خواهد افتاد؟ و سؤالات بیشتر دیگر که نیاز به بررسی‌ها عمیق‌تر دارد. البته باید یادآور شد که هنوز در ابتدای این روند قرار داریم و برای ارائه تفاسیر صحیح احتمالاً به گذشت ده‌ها سال زمان نیاز است.

همچنین کرونا، رقابت‌های علمی برای مهار اثرات این ویروس مرگبار را شدت بخشید در عرصه علمی و دانش پزشکی نیز رقابت گسترده‌ای در پی بحران کرونا رقم خورده است. در واقع مسابقه جهانی برای ساخت واکسن کووید ۱۹ رکورد شکسته و ساخت سریع واکسن به موضوعی سیاسی و اقتصادی بدل شده است؛ در واقع بیماری همه گیر کووید ۱۹ یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که پزشکی مدرن تاکنون با آن روبرو بوده است و برگشتن مردم دنیا به زندگی عادی همه در گرو یک واکسن‌ساز گسترده و مؤثر است.

در اولین روزهای تولید واکسن کرونا در سطح جهان توسط کشورهای مختلف، واکسن سینوفارم که توسط کشور چین تولید شده چندان مورد اقبال عمومی قرار نگرفت. از میان کشورهایی که به این واکسن مجوز استفاده ندادند عربستان سعودی بود. دلایل زیادی برای عدم رغبت مقامات این کشور برای عدم استفاده از واکسن سینوفارم مطرح شده ولی یکی از برجسته ترین دلایل به رابطه تجاری بین عربستان سعودی و آمریکا مربوط می‌شود. قراردادهای سنگین تجاری بین این دو کشور باعث شده بود تا عربستان وابستگی شدیدی به ایالات متحده پیدا کند و به همین دلیل، برای راضی ساختن مقامات آمریکایی و به ویژه دونالد ترامپ به استفاده از واکسن فایزر روی آوردند. عربستان سعودی تحت فشارهای آمریکا مجوزهای لازم برای استفاده از واکسن سینوفارم را صادر نکرد و به این ترتیب ضربه سنگینی به اعتبار واکسن سینوفارم وارد کرد.

حق سلامت نیز از دیگر مباحث بوده است که در پی بحران کرونا متاثر شد. همه امکانات لازم برای تأمین حق بر سلامت، از جمله دارو، تجهیزات لازم، وسایل مورد نیاز و مراکز تأمین مراقبت از سلامت در کنار نیروی انسانی لازم که واجد شرایط علمی حرفه ای مناسب و استاندارد هستند، باید فراهم باشد. دولت‌ها براساس تعهدات حقوق بشری خود در شرایط شیوع بیماری واگیردار، مسئول ارائه خدمات بهداشتی و درمانی هستند و ارائه این خدمات، نه تنها محدود به شهروندان یک دولت نیست بلکه تعهد به همکاری‌های بین‌المللی به مثابه سازوکاری تکمیلی جهت توانمندسازی و بالا بردن ظرفیت‌های جهانی در جهت مقابله با بیماری واگیردار، برای تمامی دولت‌ها وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، تعهدات دولت‌ها در شرایط بحران کرونا، به شکل مطلوب اجرایی نشده و «حق بر سلامت همگانی» تحت تأثیر برخی رویکردهای ملی گرایانه قرار گرفته است. بنابراین در دنیای امروز امنیت زیست محیطی می‌تواند به عنوان بخش مهمی از تهدیدات وجودی محسوب شود و زمینه توجه به آن مدنظر قرار گیرد. نظام‌های همکاری‌های امنیتی در کنار مباحث سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی که در اختیار بشر است، باید بیشتر معطوف به تهدید وجودی باشد که در اختیار انسان نیست و بازسازی آن نیز در توان نیست. کما اینکه در بسیاری از مباحث، ثروت و قدرت نظامی می‌تواند تاثیر شگرفی داشته باشد، در زمینه امنیت زیست محیطی و گسترش بیماری‌های واگیرداری مانند کووید ۱۹ نشان داد که تعاریف امنیتی در حوزه روابط بین‌الملل می‌بایست وسیع‌تر شده و علل و عوامل بیشتری را در برگیرد. در وضعیت کنونی ما شاهد تسلط نظریات نئورئالیستی در روابط بین‌الملل هستیم چنانکه در وضعیت کنونی عدم همکاری رژیم‌های بین‌المللی نمایان است و تک روی دولت‌ها، حکایت از عدم توانایی همکاری و نمادی از عدم اعتماد به یکدیگر است. اما باید در نظر داشت؛ موضوع مورد بحث امنیت زیست محیطی، امنیت اقتصادی را نیز تحت شعاع قرار داده است و امکان دارد تغییر در قدرت اقتصادی را به همراه داشته باشد و کلیه اصول حاکم بر روابط بین‌الملل را تحت تاثیر قرار دهد. در هر حال، پس از فراگیری این ویروس منحوس رقابت‌های جهانی از آن متأثر گردید. در برخی موارد مشاهده می‌شود که قدرت‌ها و کشورهای جهانی برای آسیب پذیری کمتر به سمت واگرایی قدم برداشته اند. که مهمترین نمود آن را می‌توان در روابط چین و آمریکا و اتحادیه اروپا مشاهده کرد. البته ایالات متحده آمریکا از زمانی که ترامپ روی کار آمد، همکاری و همگرایی‌های جهانی را به هم ریخت و با شعار «اول آمریکا» تنها به مسائل خود توجه کرد. لذا آمریکا بعد از شیوع کرونا همچنان به مسائل واگیردانه دامن زد و به جای توجه به مسائل جهانی، مانند گذشته کرونا هم در واقع به این سیاست و تبعات آن دامن زد. در این شرایط متأسفانه جهان به سمت عدم همگرایی و تشدید سیاست‌های واگیردانه می‌رود و تماس‌هایی که میان رهبران کشورهای جهان انجام می‌شود، بیشتر باهدف خروج کشور خود از بحران‌های اقتصادی پیش رو است. قطعاً ضربه‌ای که این ویروس به اقتصاد جهانی وارد کرد سیاست‌های واگیردانه را تشدید کرد و در حال حاضر کشورها هرکدام درگیر مسائل خود هستند. از نخستین

روزهای آغاز شیوع کرونا در چین، نشانه‌های اثرات این ویروس بر چهره بین‌المللی این کشور و قدرت نرم پکن نمایان شد. از واکنش‌های نژادپرستانه به اقلیت‌های آسیایی در کشورهای غربی، تا انتشار روایت‌های اغراق‌شده و منفی درباره غذاهای چینی، فرهنگ چینی و سبک زندگی چینی‌ها، همه از جمله آسیب‌های نخستینی بودند که کرونا بر چین وارد کرد. با وجود زمان بد و شدت ویروس کرونا، پاسخ رهبر حزب کمونیست چین به این بحران به طرز قابل توجهی مشابه الگوی تصمیم‌گیری تاریخی است که حزب را در معرض نزاع‌های داخلی و خارجی و تردید قرار می‌دهد.

حزب کمونیست چین تحت رهبری «شی جین پینگ» که از گرداب‌ها و چالش‌های بین‌المللی و داخلی بیرون آمده است، اکنون از نظر سرمایه‌سیاسی در شرایط شکننده‌ای قرار دارد که اگر رژیم نتواند به این بحران پاسخ مناسبی بدهد و یا راه حل مناسبی به وجود بیاورد نمی‌تواند چهره و مشروعیت حزب را حفظ کند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این موضوع این‌طور باشد که چین، ساختار سیاسی متفاوتی دارد و این ساختار مخفی‌کار، به شکل فزاینده‌ای به یک مشکل تبدیل شده است. در چین حزب کمونیست قدرت را در کشور قبضه کرده که به هیچ وجه شفاف و پاسخگو نیست. اما باید پذیرفت که تحلیل بحران سیاسی چین از زاویه رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های جهان، بدین معنا نیست که چین به دلیل اینکه منشأ ویروسی همه‌گیر بوده، لزوماً باید عقب‌نشینی کند؛ برعکس، چین که سرمایه‌گذاری قابل توجهی بر روی دیپلماسی عمومی کرده، از آغاز کرونا همه تلاشش را برای مهار آسیب‌های سیاسی انجام داده است.

لذا می‌توان پذیرفت کشورهایی که با تحریم و مشکلات اقتصادی زیاد دست و پنجه نرم می‌کنند تا حدودی نتوانند از عهده مدیریت شرایط برآیند اما به نظر می‌رسد که ساختار سیاسی ایالات متحده بیش از حد، واقعیت‌های جامعه آمریکایی را وارونه‌نمایی می‌کند. اما از طرف دیگر دونالد ترامپ و دولت آمریکا به دلیل سهل‌انگاری و تعلل در انجام اقدامات لازم برای مقابله با شیوع کرونا در نخستین هفته‌های شیوع ویروس کرونا در آمریکا، با انتقادات زیادی مواجه هستند. آمریکا از لحاظ شمار مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا، با اختلاف بسیار فاحشی نسبت به سایر کشورها در رتبه نخست جهان قرار دارد. اگر دموکرات‌ها بر سر کار بودند الزاماً مسائل اقتصادی در اولویت نبود بلکه مسائل محیط زیستی و بشری در اولویت‌شان بود و حتماً بودجه قابل توجهی را به این بخش اختصاص می‌دادند. اگر دموکرات‌ها اکنون بر سر کار بودند احتمالاً شاهد این واکنش‌ها و ضعف از سوی دولت آمریکا به شیوع این ویروس و همه‌گیری آن نبودیم.

البته بعید است ساختار آمریکا با روندی که تاکنون دولت ترامپ پیش گرفته است همراهی کند جز چند ایالت با سیاست‌های ترامپ همراهی نکرده است. شاهد هستیم که ترامپ هر از گاهی وعده پایان این وضعیت و عادی شدن شرایط را می‌دهد در حالی که این مشکل به این زودی‌ها قابل کنترل نیست. برای کشوری در سطح آمریکا که یک ابرقدرت محسوب می‌شود کسر شأن است که دچار کمبودهایی از جمله در زمینه تهیه ماسک و تجهیزات پزشکی برای کادر درمانی‌اش شود. انتظار است نظام بروکراتیک این کشور به سرعت بتواند خود را منطبق کند اما این حجم از سردرگمی قابل تصور و پذیرش نیست.

برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران پیش‌بینی نموده‌اند که احتمال انتقال قدرت از غرب به شرق در دوره پساکرونا وجود دارد بر اساس مفروضات واقع‌گرایی، افزایش قدرت هدف اصلی کشورها در سیاست بین‌الملل است که می‌تواند ضامن امنیت و بقای آن کشور باشد. آمریکا به عنوان دولت پیشرو در محیط بین‌المللی دارای منافعی است که افزایش قدرت دولت‌های هم‌تراز و نزدیک به آمریکا می‌تواند جایگاه آمریکا را دچار خدشه کند. به همین منظور آمریکا در مقابل چین دست به اقدامات بازدارنده می‌زند که سیاست اتخاذشده توسط آمریکا موسوم به آسیا محوری ذیل همین اقدامات بازدارنده تعریف می‌شود. به عبارت دیگر مهمترین چالش‌های ایالات متحده برای جلوگیری از ظهور چین به عنوان دولت پیشرو بعدی و تصاحب جایگاه ایالات متحده

همان ابعاد استراتژیک رقابت چین و آمریکا هستند. بدین معنا که این عرصه ها به‌عنوان مسیرهای رشد چشمگیر قدرت چین هستند که سیطره آمریکا را بر جهان به‌عنوان یک هژمون و یا قدرت برتر آشکارا به چالش می‌کشند. بر همین اساس در سال های اخیر با توجه به رشد و توسعه چین در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، امنیتی و تکنولوژی و ... آمریکا تلاش کرده است به حفظ برتری و هژمونی خویش در عرصه جهانی بپردازد. اما با قدرت‌یابی ترامپ جنگ تجاری آمریکا و چین شعله‌ورتر شده است.

در این میان، اختلاف‌های میان دو طرف بر سر شیوع بیماری کرونا بیش از پیش شعله‌های اختلاف میان واشنگتن و پکن را برافروخته است. بگونه ای که شیوع بیماری کرونا و تشدید اختلافات میان این دو قدرت اقتصادی سبب شده است احتمال وقوع جنگ سرد میان آمریکا و چین تشدید شود. به باور برخی از تحلیلگران و صاحب نظران، تحولات اخیر در روابط دو کشور را می‌توان نوعی جنگ سرد تلقی کرد که هر روز بر شعله‌های آن افزوده می‌شود تا حدی که ترامپ پیش از این در گفت‌وگو با «فاکس نیوز» حتی از قطع کامل ارتباط با چین سخن گفته بود. ترامپ معتقد است که آسیب‌های ناشی از همه‌گیری بیماری کرونا نشان داده که باید زنجیره تامین جهانی کالا که به چین متکی است، قطع و دگرگون شود.

بنابراین می‌توان گفت؛ یکی از مسائل تاثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل که تاثیرات و پیامدهای بسیاری بر کشورهای مختلف داشته است، بحران بیماری کرونا موسوم به کووید ۱۹ می‌باشد که تمام قدرت‌های کوچک و بزرگ را درگیر ساخته است. در حالی که برخی از تحلیلگران بحران بیماری کرونا و تاثیراتی که در آمریکا داشته است را فرصتی برای چین و هژمونی آن در رقابت با آمریکا قلمداد می‌کنند؛ اما عده‌ای معتقدند تغییراتی که بر اثر همه‌گیری ویروس کرونا در اقتصاد جهان رخ خواهد داد به زیان چین است و نیز اگر آمریکا از مزیت‌های خود استفاده کند، می‌تواند در رقابت یادشده به حفظ هژمونی خویش ادامه دهد. لذا با توجه به تاثیرات و گسترش کرونا در سراسر جهان، سناریوهای گوناگون در زمینه‌های مختلف مطرح شده است. درحالی که در سال ۲۰۲۰ رقابت بین چین و آمریکا نموده‌ها و نمادهای متنوعی پیدا کرده بود درهم نوردیدن ویروس کرونا از نقطه شروع چین و انتشار ویروس جهش یافته کرونا در چندقاره، و تحمیل سیاست‌گذاری برای ایزوله کردن و قرنطینه‌خانی برخی از ایالات آمریکا، سویه جدیدی به رقابت قدرتهای بزرگ از جمله به آمریکا و چین بخشید. واسطوره شکست‌ناپذیری آمریکا ترک‌هایی برداشت و واقعیت‌ها نشان داد که آمریکا به عنوان یک قدرت اثرگذار و نفوذناپذیر در گاه انتشار ویروس، به قدرت نفوذپذیر از پاندومی ویروس کرونا تغییر چهره داد. و تا لحظه نگارش متن، از ایفای نقش بین‌المللی برای مهار و ریشه کن‌سازی ویروس با ناکامی مواجه شده و حتی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شهروندان آمریکا برخط مشی‌گذاری انفعالی و "کرونا انکاری" شخص دونالد ترامپ خرده گرفته و از وی انتظار عملکرد براساس متغیر نقش برپایه تئوری پیوند جیمز روزنا در فرایند تصمیم‌گیری برای آمریکا و دنیا را طرح نموده‌اند.

در مجموع آمریکا در یک رقابت سیستمی درازمدت با چین قرار گرفته است. نیروی نظامی و تسلیحات اهمیت دارند، اما در نقطه مرکزی این‌گونه رقابت‌ها، همچون گذشته قرار ندارند. این مسئله که کدام سیستم توانایی پاسخگویی به مشکلات مبتلا به مردم خود یا جهان را دارند در مرکز این رقابت‌ها جا گرفته است. در اینجا متوجه می‌شویم که چرا موضوع پاسخگویی به خطر کووید ۱۹ تا این مقدار در صحنه سیاسی مطرح شده است. چین در این صحنه توانست مدیریت فوق‌العاده‌ای، چه از لحاظ کنترل بیماری و چه از لحاظ تولید واکسن آن، از خود نشان دهد و غرب علی‌رغم ادعاهای سیستمی خود نه توانست در کنترل و مدیریت بحران جلوه کند و نه توانست در تولید واکسن از خود ویژگی خاصی نشان دهد. تلاش غرب و آمریکا برای نابود کردن این دستاورد در متهم کردن چین به تولید خود ویروس کووید ۱۹ استوار شده است که هنوز هم تمام نشده و آمریکا آن را رها

نخواهد کرد. افزون بر این روسیه نیز در همکاری با چین تلاش می‌کند به رقابت با ایالات متحده آمریکا بپردازد بر همین اساس نیز ایده همکاری سیاسی و نظامی بین دو کشور در حال شتاب گرفتن است - از تمرینات گسترده نظامی در مرز سیبری تا انتقال کشتی های جنگی به شرق مدیترانه و شمال اقیانوس اطلس. و اگر به اقدامات در فضا که اخیراً توسط روسیه و چین انجام شده است نگاهی داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که آنها دارای گرایش نظامی می باشند. به همین دلیل برخی تحلیل گران، اختلاف افکنی میان این دو کشور و جلب روسیه به سمت غرب را به عنوان راهکار مهمی در مقابله با چین، عنوان کرده اند. این همان راهکاری است که پیش تر نیکسون در جلب همکاری چین علیه شوروی به کار برده بود. تراز تجاری نابرابر، اختلافات مرزی در شرق روسیه و شمال چین، اختلاف منافع در آسیای میانه و قطب شمال، اختلافات تمدن های کنفوسیوسی چین با مسیحیت ارتدکس روسی و ریشه های گرایش های لیبرالی در نسل جوان روسیه، از مواردی است که آمریکا می تواند روی آن تمرکز کند.

در پایان می توان مهمترین یافته های تحقیق را به اختصار چنین برشمرد:

کمرنگ شدن مرزها همراه با تشدید روند غیرسرزمینی شدن؛ با آغاز روند جهانی شدن سرزمین و جغرافیا اهمیت پیشین خود را از دست داده اند. بدون تردید بحران همه گیری کرونا و بیروس صرفاً بر محیط داخلی و مناسبات درونی جوامع تاثیرگذار نبوده است، بلکه مرزهای ملی را درنور دیده و کلیت نظام اجتماعی سیاسی حاکم بر دنیا و روابط میان دولتها و ملتها را متاثر ساخته است. همه گیری جهانی کرونا در مدار زمانی بسیار اندک، بار دیگر این گزاره را تایید کرد. کرونا نشان داد که جهان در پهنه جغرافیایی پهناورش تا چه اندازه میتواند در قامت و بیروس تازه از راه رسیده کوچک گردد. تا چه میزان سرنوشت من در این سوی جهان گره خورده به سرنوشت آن دیگری در آن سوی جهان است.

تغییر و حرکت از اولویت امنیت ملی (به مثابه امنیت دولت) به سوی امنیت انسانی؛ در وضعیت هایی چون همه گیری جهانی کرونا، به ناگاه تفاوت های خرد، ناچیز و بیمعنی می شوند و همگی در بطن تهدیدی مشترک اما متمایز معنا می یابند. در حالی - که اساس روابط بین الملل دولت محور، مبتنی بر حفظ بقای دولتها در وضعیتی آنارشیک بوده است و اساساً ملتها/انسانها دغدغه آن نبوده است. این نوع از دولت بر اساس دغدغه امنیت سخت افزاری در برابر تهدید خارجی سامان یافته است و نه تهدیدی برای امنیت انسانی و جهانی. روابط بین الملل نمی تواند بیش از این به بهانه آنکه اصل، بقای دولت است و بقای خود انسان موضوع مستقیم این رشته نیست، از پاسخگویی به مسائل نوظهور که تهدیدی بیواسطه برای بقا و امنیت انسان است، سرباز زند.

با شیوع و بیروس کرونا زمان برای آزمون کارایی پدیده جهانی شدن اقتصاد فرا رسیده است. کرونا به سرعت ضعف های سیستم سرمایه داری لیبرال را آشکار ساخته و حرکت به سمت تخصصی شدن تولید و توجه به اصل مزیت نسبی، بویژه برای مهارتها یا محصولات خاص در شرایط بحرانی، جایگزینی را دشوار می سازد. جهانی سازی نه تنها وابستگی شدید بین بنگاه های اقتصادی و کشورها را افزایش داده بلکه با تسهیل سیستم حمل و نقل می تواند گسترش تهدیدات را تسریع کند و آسیب پذیری دولت ها در برابر شوک های غیر منتظره افزایش دهد.

دیجیتالیزه شدن و اهمیت یافتن هر چه بیشتر فناوری های نوین اینترنت پایه؛ در سال های اخیر و همچنین در فراگیری کرونا در سطح جهانی نیز فناوری های مبتنی بر وب بطور قابل توجهی تاثیرگذاری افراد را تقویت کرده اند، بطوریکه در این وضعیت نیز این نوع از فناوری ها به مردم امکان هایی دادند که خودشان در قامت یک کنشگر، اطلاعات مربوط به بیماری را در مقیاس وسیع تولید کرده و به اشتراک بگذارند.

ویروس کرونا شکنندگی سیستم اقتصاد جهانی را نیز آشکار ساخت. بنگاه های اقتصادی که تولید آنها در چندین کشور انجام میپذیرد میتوانند بحران را نسبتاً شدیدتر کنند. اگر شیوع ویروس در یک کشور باعث می شود که تامین کننده جهانی از تولید یک قطعه یا ماده مهم بازماند، دیگران را به سقوط نزدیک میکند. این بحران لزوم کوتاه کردن زنجیره های تأمین و توجه به ذخیره بیشتر قطعات در فرایندهای تولید برای مقاومت بیشتر در شرایط بحرانی را آشکار می سازد. کرنا دولتها و بنگاههای اقتصادی را مجبور به ارزیابی مجدد فرایند اقتصاد جهانی یکپارچه و بهم پیوسته میکند. مقابله با این ویروس مستلزم دخالت دولتها و تعطیلی هر چند موقت اقتصاد بوده و این برخلاف نظر نئولیبرالها دربار محدود شدن نقش دولتها و دخالت آنها در اقتصاد می باشد.

کرونا موج جدایی استراتژیک کشورها خواهد شد. پس از بحران کرونا ما شاهد تشدید رقابت بین آمریکا و چین خواهیم بود. از یک سو، ویروس کرونا میتواند موج تسریع روند عبور از جهانی شدن آمریکایی شود. ایالات متحده گرچه اقتصاد برتر جهان باقی مانده است اما پرسشهای زیادی در مورد قدرت مقابله آن با چالشهای جدید مطرح شده؛ چرا که این قدرت بزرگ، از مقابله با بحران کرونا عاجز و ناتوان بود. زمانی که کووید ۱۹ به پایان برسد جهانی متفاوت از دنیایی که آمریکاییها به سکونت در آن عادت کرده بودند وجود خواهد داشت. فضای سیاست جهانی و روندهای حاکم بر اقتصاد جهانی همانند گذشته به نفع ایالات متحده نمی باشد. از سوی دیگر، رویکرد توجه به تولید ملی میتواند باعث کاهش اتکای جهان به تولیدات چینی شود و پیشبینی برخی اندیشمندان که سبقت گرفتن از آمریکا و تبدیل شدن به ابرقدرت اول جهان را سرنوشت محتوم چین ارزیابی میکردند را با تردید مواجه خواهد ساخت. در مجموع، ویروس کووید ۱۹ و پیامدهای آن در عرصه بین الملل به ما یادآوری می کند که دولتها هنوز بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. گرچه سال هاست لیبرالها تاکید داشتند که با گذر زمان، دولتها در امور جهانی کمتر مورد توجه قرار گرفته و سایر بازیگران یا نیروهای احتمالی مانند سازمانهای بین المللی و غیردولتی، شرکتهای چند ملیتی و تروریستهای بین المللی هستند که تأثیر بیشتری بر مناسبات جهانی خواهند داشت.



## فهرست منابع

### الف) کتب فارسی

۱. ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
۲. بیلیتس و اسمیت، جان و استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳. تریف، تری (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، «چین و برنامه هسته‌ای ایران»، گزارش راهبردی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شهریور.
۵. جیمز دو ئرتی و رابرت فالتز گراف (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس.
۶. دوئرتی، ج و فالتز گراف، ر (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
۸. روشندل، جلیل، قلی پور (۱۳۷۳)، سیاست و حکومت در ارمنستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۹. سرآبادانی، حسین (۱۳۹۹)، بازخوانی معنا و جایگاه نهاد «دولت» در روزگار کرونا، در «کتاب کرونا مثبت؛ شماره دوم» مرکز رشد دانشگاه امام صادق.
۱۰. شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۸)، درآمدی بر روابط ایران و چین، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم.
۱۲. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۲)، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

### د) منابع انگلیسی

14. Basrur, R. , & Kliem, F. (2021). Covid-19 and international cooperation: IR paradigms at odds. *SN Social Sciences*, 1(1), 1-10.
15. Bukhari, S. H. , & Bukhari, S. M. H. (2020). The post-corona world and international political landscape: Emerging challenges. *Journal of Business and Social Review in Emerging Economies*, 6(2), 453-461.
16. Biscop, S. (2020). No peace from corona: defining EU strategy for the 2020s. *Journal of European Integration*, 42(8), 1009-1023.
17. ratersky, M. , 2020. Daleko li do vojny? [Are We Far Away From War?]. *Rossiya v global'noi politike*, 18(3), May/June [online]: Available at: <globalaffairs. ru/ articles/daleko-li-do-vojny/> [Accessed 9 December 2020].

18. Fidler, D. P. (2020). To fight a new coronavirus: the COVID-19 pandemic, political herd immunity, and global health jurisprudence. *Chinese Journal of International Law*, 19(2), 207-213.
19. Greg, S. (2020). The Corona Virus pandemic and global transformations: Making or breaking international orders?. *Контуры глобальных трансформаций: политика, экономика, право*, 13(5), 20-37.
20. Green, M. and Medeiros, E. , 2020. The Pandemic Won't Make China the World's Leader. *Foreign Affairs*, 15 April [online]. Available at: <[https://www. foreignaffairs. com/articles/united-states/2020-04-15/pandemic-wont-makechina- worlds-leader](https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-04-15/pandemic-wont-makechina-worlds-leader)> [Accessed 8 February 2021].
21. Grunstein, J. , 2020. Why the Coronavirus Pandemic Won't Lead to a New World Order. *World Politics Review*, 1 April [online]. Available at: <[https://www. worldpoliticsreview. com/ insights/28646/ why-the-coronavirus- pandemic-wont- lead-to-a- new-world-order](https://www.worldpoliticsreview.com/insights/28646/why-the-coronavirus-pandemic-wont-lead-to-a-new-world-order)> [Accessed 8 February 2021].
22. Hrabina, J. (2021). The Year of Crises: how 2020 Will reshape the Structure of international relations. *Russia in Global Affairs*, 19(1), 174-199.
23. Svetlana, C. , & Victoria, B. (2021). POST CRISIS COVID-19 GEOPOLITICAL SCENARIOS. *Актуальні проблеми державного управління*, 1(82).
24. The Guardian (2020a) Just when Italy really needed some unity, the EU failed it—and continues to do so. 19 April. [https://www. thegu ardia n. com/world /2020/apr/19/europ ean- union -italy -unity -failu re-debtgerma ny-nethe rland s](https://www.theguardian.com/world/2020/apr/19/european-union-italy-unity-failed-re-debtgermany-netherlands). Accessed 19 April 2020
25. The Guardian (2020b) China bristles at Australia's call for investigation into coronavirus origin, 29 April. [https://www. thegu ardia n. com/world /2020/apr/29/austr alia- defen ds-plan-to-inves tigate e-china -overcovid -19-outbr eak-as-row-deepe ns](https://www.theguardian.com/world/2020/apr/29/australia-defends-plan-to-investigate-china-over-covid-19-outbreak-as-row-deepens). Accessed 8 May 2020